

تأثیر عوامل مربوط به هزینه‌های محرمانه بر کیفیت گزارشگری مالی با تأکید بر

اجتناب مالیاتی

محمد آزادپور^۱

حیدر محمدزاده سالطه^۲

تاریخ دریافت: ۱۳۹۵/۱۰/۸، تاریخ پذیرش: ۱۳۹۶/۷/۱۲

چکیده

هدف اصلی این پژوهش، تأثیر عوامل مربوط به هزینه‌های محرمانه بر کیفیت گزارشگری مالی با تأکید بر اجتناب مالیاتی در ایران می‌باشد. عوامل مربوط به هزینه‌های محرمانه شامل فرصت‌های رشد، حاشیه سودآوری، رقابت در بازار محصول و تمرکز مالکیت می‌باشد. جامعه آماری پژوهش، شرکت‌های پذیرفته شده در بورس اوراق بهادار تهران و دوره پژوهش از سال ۱۳۸۷ تا ۱۳۹۳ می‌باشد. در این تحقیق برای تجزیه و تحلیل فرضیه‌ها از آزمون رگرسیونی خطی چند متغیره استفاده شده است. نتایج پژوهش نشان می‌دهد معیارهای عوامل مربوط به هزینه‌های محرمانه بر کیفیت گزارشگری مالی تأثیر ندارد. همچنین، اجتناب مالیاتی بر ارتباط بین معیارهای عوامل مربوط به هزینه‌های محرمانه و کیفیت گزارشگری مالی تأثیر ندارد.

واژه‌های کلیدی: هزینه‌های محرمانه، کیفیت گزارشگری مالی، اجتناب مالیاتی

۱. کارشناسی ارشد حسابداری، دانشگاه آزاد اسلامی، واحد مرند
۲. دانشیار گروه حسابداری، دانشگاه آزاد اسلامی، واحد مرند (نویسنده مسئول)
azadpoor45@gmail.com
salteh2008@gmail.com

۱- مقدمه

بازار سرمایه به عنوان موتور محركه اقتصاد بر محور اطلاعات قرار دارد. جریان درست اطلاعات در این بازار منجر به اتخاذ تصمیمات صحیح و منطقی از سوی مشارکت‌کنندگان می‌شود و در نهایت، توسعه اقتصادی و بهبود رفاه اجتماعی را به ارمنان می‌آورد. متأسفانه در سال‌های پایانی قرن بیستم میلادی و در آستانه ورود به قرن بیست و یکم، ورشکستگی شرکت‌های عظیم نظری انرون، وردکام، آدلفی، سیسکو، لیوستن و زیراکس، سیستم گزارشگری مالی را با بحران مواجه کرد. ورشکستگی چنین شرکت‌هایی باعث نشانه رفتن انگشت اتهام به سوی حسابداری و گزارشگری مالی شد، به طوری که در موارد متعدد از این وقایع به عنوان رسوایی حسابداری یاد شد. اما این، خاتمه کار نبود، بلکه سیستم گزارشگری مالی به دلیل خدشهدار شدن اعتبار آن، همواره در جلب اعتماد عمومی با بحران‌هایی مواجه شد (بولو، ۱۳۸۶).

افزایش شمار تقلب‌ها که با ورشکستگی شرکت‌های بزرگ در هم آمیخته بود، نگرانی‌هایی را درباره کیفیت گزارش‌های مالی به همراه داشت. حرفه حسابداری و حسابرسی در راستای چاره‌جویی در این خصوص به تدبیر راهکارهایی همت گمارد. تغییر رویکرد تدوین استانداردهای حسابداری از استانداردهای مبتنی بر قواعد به استانداردهای مبتنی بر اصول، تأکید بر استقلال حسابرسان و حاکمیت شرکتی برای حمایت از منافع سهامداران جزء و تنظیم مقررات انتظامی حرفه حسابداری و حسابرسی از جمله تدبیر اتخاذ شده برای جلب اعتماد عمومی بود. از سوی دیگر، صاحب‌نظران و اندیشمندان دانشگاهی نیز به سهم خود، سمت و سوی تحقیقات تجربی را به کیفیت گزارشگری مالی و اثرات آن بر بازار سرمایه سوق دادند تا بلکه بتوانند در این خصوص نقش مفیدی را ایفا نمایند.

گزارش‌های مالی از مهمترین منابع اطلاعاتی است که هدف آن فراهم کردن اطلاعات لازم برای تصمیم‌گیری‌های اقتصادی می‌باشد و بخش اعظمی از نیاز اطلاعاتی بازار سرمایه را تأمین می‌کند. در حال حاضر در ارتباط با کیفیت گزارشگری مالی و اندازه‌گیری آن و نیز تأثیر دستورالعمل‌ها و استانداردهای حسابداری بر کیفیت گزارشگری مالی تحقیقاتی در حال انجام است. بسیاری از این تحقیقات، کیفیت گزارشگری مالی شرکت‌ها را با دیدگاه رویکرد رویدادی، صرفاً به استانداردها و رهنمودهای حسابداری و گزارشگری مالی نسبت داده و در صدد تبیین کیفیت گزارشگری مالی از منظر دستورالعمل‌های بیرونی ناظر بر آن برآمده اند. اما با وجود مکانیزم‌های نظارتی یکسان برای گزارشگری مالی شرکت‌ها، به نظر می‌رسد کیفیت گزارشگری مالی آنها یکسان نیست و این امر بیانگر آن است که احتمالاً عوامل دیگری وجود دارد که باعث ایجاد تفاوت در کیفیت گزارشگری مالی شرکت‌ها می‌گردد.

این تحقیق چشم‌انداز جدیدی را به موضوع کیفیت گزارشگری مالی می‌گشاید و با درون‌زا فرض نمودن کیفیت گزارشگری مالی، تلاش می‌نماید تأثیر عوامل مربوط به هزینه‌های محرومانه از قبیل فرصت‌های رشد، رقابت در بازار محصول، حاشیه سودآوری، تمرکز مالکیت بر کیفیت گزارشگری مالی و تأثیر اجتناب مالیاتی بر ارتباط بین این عوامل و کیفیت گزارشگری مالی در شرکت‌های پذیرفته شده در بورس اوراق بهادار تهران را ارزیابی نماید. این پژوهش به دنبال یافتن پاسخ به این سؤال می‌باشد که آیا عوامل مربوط به هزینه‌های محرومانه بر کیفیت گزارشگری مالی تأثیر می‌گذارد؟ آیا اجتناب مالیاتی بر هزینه‌های محرومانه و ارتباط آن با کیفیت گزارشگری مالی تأثیر می‌گذارد؟

در ادامه مقاله ابتدا به بیان مبانی نظری و سپس به بررسی پیشینه پژوهش خواهیم پرداخت. در بخش بعدی به متغیرها و نحوه سنجش آنها و روش آزمون فرضیه‌ها اشاره می‌شود. در بخش پایانی نیز پیشنهاداتی پیرامون فرضیات پژوهش و پیشنهاداتی برای تحقیقات آتی ارائه شده و در نهایت منابع تحقیق بیان خواهند شد.

۲- مبانی نظری

مبانی نظری حسابداری مالی به عنوان یک منشور، اهداف و مقاصد گزارشگری مالی، ویژگی‌های کیفی اطلاعات مالی و معیارهای شناخت و اندازه‌گیری گزارش‌های مالی را تعیین می‌کند و به عنوان راهنمای تدوین استانداردهای حسابداری و گزارشگری مالی محسوب می‌شود، زیرا تهیه اطلاعات مالی بدون بهره‌مندی از مبانی نظری و استانداردهای حسابداری، در محیط پیچیده و چالش برانگیز امروز، سلیقه‌ای، بی محتوا و جانبدارانه خواهد بود.

نتایج تحقیقات انجام شده توسط گلوستن و میلکرام (۱۹۸۵)، امیهود و مندلسون (۱۹۸۹)، دیاموند و ورکچیا (۱۹۹۱) و اسیلی و اواهارا (۲۰۰۳) نشان می‌دهد افزایش کیفیت اطلاعات مالی به کاهش عدم تقارن اطلاعاتی و در نتیجه کاهش هزینه حقوق صاحبان سهام منجر می‌گردد. با این حال، با وجود منافع زیادی که می‌توان از فراهم ساختن اطلاعات مالی با کیفیت به دست آورد، بسیاری از شرکت‌ها تصمیمی مغایر با حداقل کیفیت برای گزارشگری مالی را اتخاذ می‌کنند. این تصمیم احتمالاً هزینه‌های بالقوه مرتبط با گزارشگری مالی با کیفیت را مذکور قرار می‌دهد. برای مثال، ارائه اطلاعات مالی با کیفیت بالا، در صورت محرومانه بودن اطلاعات، ممکن است به تضعیف موقعیت رقابتی در بازار محصول شرکت منجر گردد. بنابراین، از جمله موضوعات بسیار مهم که در حال حاضر در اکثر پژوهش‌ها مورد توجه است، بحث اجتناب و فرار مالیاتی و عوامل مؤثر بر آن و نتایجی است که از آن حاصل می‌شود.

رفتارهای اجتناب و فرار مالیاتی دارای یک منفعت کاملاً مشهود، یعنی کاهش مالیات شرکت است. با این وجود، اجتناب مالیاتی هزینه‌هایی با اهمیت را نیز به شرکت تحمیل می‌کند. این هزینه‌ها شامل هزینه پیاده‌سازی استراتژی‌ها و برنامه‌های اجتناب مالیاتی، هزینه‌های جرمیه و لطمہ به اعتبار و شهرت شرکت در صورت کشف اجتناب مالیاتی و هزینه‌های مربوط به افزایش پیچیدگی‌های سازمانی و کاهش شفافیت گزارشگری مالی است (بالاکریشنان و همکاران، ۲۰۱۲؛ هانلون و سلمورد، ۲۰۰۹؛ ویلسون، ۲۰۰۹). نقطه ضعف عمدۀ بسیاری از مطالعات تجربی انجام شده درباره کیفیت گزارشگری، عدم توجه به ماهیت درون‌زای تصمیم درباره کیفیت گزارشگری مالی می‌باشد.

هزینه محرومانه و کیفیت گزارشگری مالی

گرچه گزارشگری مالی با کیفیت، نتایج مثبت زیادی در پی دارد، برخی دیدگاه‌ها هزینه‌های محرومانه احتمالی آن را بیشتر از منافع آن می‌دانند. برخی از استدلال‌های ارائه شده برای این نوع نگرش به شرح زیر مطرح می‌گردند (میلر و بانسون، ۱۹۹۹).

الف- هزینه فراهم آوردن اطلاعات لازم برای گزارشگری مالی باکیفیت: برخی از مدیران به بخش گزارشگری مالی به عنوان مرکز هزینه نگاه می‌کنند و دقت و کیفیت اندازه‌گیری‌ها و برآوردها و نیز حد و مرز پاسخگویی را بر اساس میزان مخارج قابل تحمیل تعريف می‌کنند.

ب- یاری رسانی رقیب: برخی از گروه‌ها معتقدند که گزارش اطلاعات دقیق و باکیفیت، به رقبای بالفعل و بالقوه در بازار محصول و خدمت کمک خواهد کرد و فرصت‌های رشد و نوآوری، وضعیت منحصر به فرد و استراتژی‌ها و مزیت‌های رقابتی را به مخاطره خواهد انداخت.

ج- نوسان پذیری و رویدادهای غیرمنتظره: گروهی معتقدند که بازار کارا از نوسان پذیری و رویدادهای غیرمنتظره متغیر است و سرمایه‌گذاران از شنیدن اخبار بد غیرمنتظره یا غیر قابل کمی سازی هراس زده می‌شوند. بنابراین گزارش‌های مالی صرفاً باید رویدادهای یکنواخت و عادی را نمایش دهد و نباید موجبات پریشانی خاطر مشارکت کنندگان بازار را فراهم نمایند.

د- خطر پیشرو بودن: گروهی نیز به دلیل عدم اعتقاد به پیامدهای مطلوب کیفیت گزارشگری مالی تلاش می‌کنند تا در این زمینه، پیشرو نباشند و نوآوری در گزارشگری مالی را با خطر همراه می‌دانند. بر اساس مبانی نظری، برخی از عوامل مرتبط با هزینه‌های محرومانه در ادامه تشریح می‌شود.

فرصت‌های رشد و کیفیت گزارشگری مالی

هرقدر نوآوری در بازار و اتكاء به سرمایه‌های فکری و دارایی‌های نامشهود بیشتر باشد، احتمالاً نیاز به

سرمایه‌گذاری برای حفظ شرایط منحصر به فرد و فرصت‌های آتی افزایش خواهد یافت (عبدالمحمدی و دیگران، ۲۰۰۶). آنان به این نتیجه رسیدند هنگامی که شرکت‌ها برای ایجاد ارزش به فناوری و دارایی‌های نامشهود اடکاء می‌کنند، نسبت به شرکت‌هایی که به دارایی‌های مشهود متکی هستند، تحلیل‌گران برای تحلیل آنها به استفاده بیشتر از اطلاعات بازار در مقایسه با اطلاعات صورت‌های مالی گرایش پیدا می‌کنند (کوهن، ۲۰۰۴). بین فرصت‌های رشد و کیفیت گزارشگری مالی رابطه‌ای مشاهده نکرد (کدخدایی و صابری، ۱۳۸۱). در بررسی برخی از عوامل مرتبط با کیفیت سود، به این نتیجه رسیدند که بین شاخص‌های رشد و کیفیت سود رابطه وجود ندارد (نیکومرام و نهندي، ۱۳۸۸).

حاشیه سود آوری و کیفیت گزارشگری مالی

بالا بودن حاشیه سودآوری علی‌رغم اینکه موجبات رضایتمندی گروه‌های ذینفع را فراهم می‌سازد، جلب رقابت در آینده و تهدید ناشی از ورود رقبای بالقوه را به همراه دارد. از سوی دیگر مطالعات تجربی (لنگ و لاندھولم، ۱۹۹۴) نشان می‌دهد که عملکرد شرکت با کیفیت گزارشگری مالی و افشاء رابطه مثبت دارد (پیوتراسکی، ۲۰۰۳). وی اثبات نمود که بالا بودن حاشیه سودآوری موجب کاهش کیفیت گزارشگری مالی می‌شود (کوهن، ۲۰۰۴) و بین حاشیه سودآوری و کیفیت گزارشگری مالی رابطه منفی وجود دارد و شرکت‌های با قدرت سودآوری بالا با هزینه‌های محرومانه زیادی رو به رو هستند.

اندازه شرکت و کیفیت گزارشگری مالی

گروهی از مطالعات نشان می‌دهد که اندازه شرکت بر کیفیت گزارشگری مالی تأثیر مثبت دارد و دلایلی مانند برقراری سیستم کنترل داخلی کارآمد، ارتباط با مؤسسات بزرگ حسابرسی و رعایت هزینه اعتبار و شهرت را از عوامل اصلی آن تلقی می‌کنند (بارتون و سیمکو، ۲۰۰۲). آنان نشان دادند که شرکت‌های بزرگ برای محقق ساختن انتظارات تحلیل‌گران تحت فشار زیادی قرار دارند (مایرز و اسکیتز، ۲۰۰۲). تلسون و دیگران (۲۰۰۲) نشان می‌دهند که شرکت‌های بزرگ از قدرت چانه زنی بیشتری برخوردار هستند و حسابرسان با احتمال زیادی از پایین بودن کیفیت گزارش‌های مالی آنها چشم پوشی می‌کنند. گروه دیگری از مطالعات نشان می‌دهد که بین اندازه شرکت و کیفیت اعلام تعهدی رابطه‌ای مشاهده نمی‌شود (نیکومرام و نهندي، ۱۳۸۸) و یا اینکه اندازه شرکت تأثیر منفی بر کیفیت گزارشگری مالی دارد و برای این ادعا دلایل متعددی را بیان می‌کنند: نخست، شرکت‌های بزرگ در مقایسه با شرکت‌های کوچک در معرض فشارهای زیادی قرار دارند؛ دوم، شرکت‌های بزرگ از قدرت چانه زنی بیشتری با حسابرسان برخوردار هستند؛ و سوم، شرکت‌های بزرگ از امکان بیشتری برای استفاده از دامنه گسترده رویه‌های

حسابداری برخوردار هستند (نوروش و دیگران، ۱۳۸۵).

چرخه عملیاتی و کیفیت گزارشگری مالی

طولانی بودن چرخه عملیاتی موجب طولانی شدن فاصله زمانی تبدیل اقلام تعهدی به جریان‌های نقدی می‌شود که این امر موجب کاهش دقت پیش‌بینی اقلام تعهدی و کاهش کیفیت گزارشگری مالی می‌شود (دیچو و دیچو، ۲۰۰۲). آنان بین کیفیت گزارش‌های مالی و طول چرخه عملیاتی رابطه منفی پیدا کردند. به اعتقاد آنها چرخه عملیاتی طولانی‌تر نشان دهنده عدم اطمینان بیشتر، خطای در برآورد بیشتر و بنابراین کیفیت گزارشگری مالی پایین‌تر می‌باشد. کو亨(۲۰۰۴) بین طول چرخه عملیاتی و کیفیت گزارشگری مالی رابطه منفی مشاهده کرد. نوروش و دیگران(۱۳۸۵) بین طول چرخه عملیاتی شرکت و کیفیت اقلام تعهدی، رابطه ای بدست نیاوردند.

اهرم مالی و کیفیت گزارشگری مالی

لغت ویج و دیگران (۱۹۸۱) بیان می‌کنند شرکت‌هایی که از اهرم بالایی برخوردارند دارای هزینه‌های نمایندگی بالاتر و بنابراین تقاضای بیشتر برای نظارت می‌باشد و از این‌رو به نظر می‌رسد کیفیت گزارشگری مالی با ساختار تأمین مالی شرکت در ارتباط باشد. اسمیت و وارنر (۱۹۷۹) و لفت ویج (۱۹۸۰) اشاره می‌کنند در حالی که تا قبل از قرن نوزدهم شواهد اندکی مبنی بر استفاده از گزارش‌های مالی حسابرسی شده برای نظارت بر قراردادهای بدھی وجود داشت، اما امروزه شواهد فراوانی برای این موضوع وجود دارد. قراردادها هم برای بدھی عمومی (یعنی بدھی‌هایی که به صورت عمومی مبادله می‌شود) وهم برای بدھی خصوصی، شامل قراردادهایی است که ارقام گزارش‌های مالی حسابرسی شده را برای محدود سازی اقدامات مدیریت مورد استفاده قرار می‌دهند.

اجتناب مالیاتی و کیفیت گزارشگری مالی

اجتناب مالیاتی که موجب کاهش خروج وجه نقد از شرکت به سوی دولت می‌شود، از گذشته به عنوان یک ارزش برای سهامداران تلقی می‌شده است. چشم‌انداز کلی اجتناب مالیاتی بر این نکته دلالت دارد که مدیران فرصت طلبی که بدبال اجتناب از پرداخت مالیات هستند، به وسیله گزارشگری مالی بدبال سوء استفاده‌های مالی هستند و بیشتر، این کار را درجهت منافع شخصی خود انجام می‌دهند.

کیفیت در گزارشگری مالی سبب تسهیل نظارت بر عملکرد مدیران از سوی سهامداران می‌شود. حال آنکه با وجود عدم کیفیت در گزارشگری مالی، کنترل و نظارت سهامداران بر مدیران کاهش خواهد یافت. همچنین مدیران فرصت طلب از سایر روش‌ها و تکنیک‌ها برای پرداخت مالیات کمتر استفاده می‌کنند که

این امر سبب تحمل هزینه‌هایی برای مالکان شرکت خواهد شد.

عدم هماهنگی بین اصول پذیرفته شده حسابداری و قوانین مالیاتی این فرصت را برای شرکت‌ها فراهم می‌سازد که به طور همزمان سود دفتری‌شان را به سمت بالا و سود مشمول مالیات‌شان را به سمت پایین مدیریت کنند. فعالیت‌های پنهان‌سازی مالیاتی نشان می‌دهد که برخی شرکت‌ها تمایل دارند در گزارشگری مالی متهرانه وارد شوند و سود دفتری و سود مشمول مالیات‌شان را در یک دوره مالی تحت تأثیر قرار دهند. لذا این تحقیق به دنبال بررسی اثرباطه اجتناب مالیاتی با گزارشگری مالی متهرانه در شرکت‌ها می‌باشد. این تحقیق به این سؤال می‌پردازد که آیا شرکت‌هایی که دارای گزارشگری مالی متهرانه هستند، اجتناب مالیاتی بیشتری دارند یا خیر؟ برای سنجش گزارشگری مالی متهرانه از مدل کیفیت گزارشگری مالی کوهن (۲۰۰۶) استفاده شد.

از دیدگاه نظری، منظور از اجتناب مالیاتی، تلاش در جهت کاهش مالیات‌های پرداختی است (هانلون و همکاران، ۲۰۱۰). فرار مالیاتی نوعی تخلف قانونی، اما اجتناب مالیاتی، در واقع نوعی استفاده از خلاصهای قانونی در قوانین مالیاتی در جهت کاهش مالیات است. بنابراین، از آنجایی که اجتناب مالیاتی، فعالیتی به ظاهر قانونی است به نظر می‌رسد که بیشتر از فرار مالیاتی در معرض دید باشد و چون اجتناب مالیاتی در محدوده‌ای معین جهت استفاده از مزایای مالیاتی است و به طور عمده قوانین محدودکننده‌ای در زمینه کنترل اجتناب مالیاتی وجود ندارد (محمد جم، ۱۳۷۹)، بنابراین، به نظر می‌رسد بسیاری از شرکت‌ها در گیر اجتناب مالیاتی باشند.

دسای و دارمایلا (۲۰۱۲) بیان می‌کنند که اجتناب مالیاتی به احتمال زیاد موجب افزایش ارزش شرکت می‌شود. البته این مورد در شرکت‌های با حاکمیت شرکتی قوی صادق است. اما از طرفی برخی پژوهش‌ها بیان می‌دارد اثر نهایی اجتناب مالیاتی منفی است که در واقع بیان گر ریسک بالای فعالیت‌های اجتناب مالیاتی می‌باشد. به طور نمونه هانلن و اسلمورد (۲۰۰۹) بیان می‌کنند که عکس العمل بازار و در نهایت قیمت سهام به موضوع اجتناب مالیاتی منفی است. همچنین یافته‌هایی برخی پژوهش‌ها بیان می‌دارد ارزش شرکت‌ها همراه با افزایش رفتار اجتناب مالیاتی کاهش می‌یابد (ونگ، ۲۰۱۰).

۳- پیشینه تجربی

ایسلی و اوهارا (۲۰۰۴) رابطه بین ساختار اطلاعات از نظر محرومانه یا عمومی بودن و هزینه سرمایه را مورد ارزیابی و مطالعه قرار دادند. نتایج مطالعات آنها نشان داد افزایش میزان اطلاعات محرومانه در ساختار اطلاعات، موجب افزایش ریسک سرمایه‌گذاری ناآگاهانه می‌شود، زیرا سرمایه‌گذاران آگاه بهتر می‌توانند

سبد اوراق بهادر خود را در واکنش به اطلاعات جدید اصلاح کنند. آنها معتقد بودند که شرکت‌ها می‌توانند از طریق افزایش دقت و کمیت اطلاعات فراهم شده برای سرمایه‌گذاران، هزینه سرمایه خود را کاهش دهند.

یتمن و یتمن (۲۰۰۴) آثار نظارت را بر کیفیت گزارشگری مالی سازمان‌های غیرانتفاعی مورد مطالعه قرار دادند. نتایج مطالعات آنها نشان داد افزایش نظارت و کنترل، موجب بهبود کیفیت گزارشگری مالی می‌شود. همچنین معیارهای نظارتی مبتنی بر بازار در مقایسه با معیارهای نظارتی مبتنی بر مقررات، تأثیر با ثبات‌تری بر کیفیت گزارشگری مالی دارد.

کو亨 (۲۰۰۴) با انجام تحقیقی به مطالعه برخی از عوامل مؤثر بر کیفیت گزارشگری مالی مبادرت کرد. بر اساس نتایج تحقیقات وی، سیاست‌های گزارشگری مالی شرکت‌ها متأثر از پراکندگی مالکیت و ویژگی‌های بازار محصول شرکت می‌باشد. شرکت‌ها میان منافع ارزشیابی بازار سرمایه بر اثر افشاء اطلاعات مالی با کیفیت و هزینه‌های محروم‌اند ای که تصمیمات آنها در خصوص کیفیت گزارشگری مالی را تحت تأثیر قرار می‌دهد، توازن بر قرار می‌کنند. او بین کیفیت گزارشگری مالی و هزینه حقوق صاحبان سهام رابطه معنی‌داری پیدا نکرد.

در ایران نیز تحقیقاتی که از نظر موضوع و اهداف مشابه با این تحقیق باشد، انجام شده است.

نیکومرام و بادآورنهندی (۱۳۸۸) به بررسی، تبیین و ارائه الگویی برای تعیین ارزیابی عوامل مؤثر بر انتخاب کیفیت گزارشگری مالی در ایران مبادرت کرد. یافته‌های تحقیق نشان داد که کیفیت گزارشگری مالی با حاشیه سودآوری و کارایی مدیریت شرکت رابطه مثبت و با رقابت در بازار محصول، محافظه‌کاری مدیریت، اندازه سرمایه بر بودن فعالیت، چرخه عملیاتی و پیچیدگی محیط فعالیت شرکت رابطه منفی دارد. اما تحقیق زیر تا حدودی به موضوع مورد پژوهش ارتباط دارد.

زنگیردار و کرمی (۱۳۸۹) به بررسی ارتباط بین کیفیت گزارشگری مالی و کارایی سرمایه‌گذاری در بورس اوراق بهادر تهران مبادرت نمود. آنچه در جمع‌بندی و نتیجه‌گیری کلی آرمن فرضیه‌های تحقیق مبنی بر رابطه معناداری متغیرهای مستقل و متغیرهای تعدیلی پژوهش با متغیر وابسته کارایی سرمایه‌گذاری شرکت‌های موجود در بورس اوراق بهادر وجود دارد، این است که کیفیت گزارشگری مالی ارتباط مثبت و معناداری با کارایی سرمایه‌گذاری دارد و همچنین اندازه شرکت، فرصت‌های رشد بر روایت میان کیفیت گزارشگری مالی و کارایی سرمایه‌گذاری تأثیرگذار هستند.

۴- فرضیه‌های پژوهش

فرضیه اول: فرسته‌های رشد بر کیفیت گزارشگری مالی تأثیر دارد.

فرضیه دوم: رقابت در بازار محصول بر کیفیت گزارشگری مالی تأثیر دارد.

فرضیه سوم: حاشیه سودآوری بر کیفیت گزارشگری مالی تأثیر دارد.

فرضیه چهارم: مالکیت متمرکز بر کیفیت گزارشگری مالی تأثیر دارد.

فرضیه پنجم: اجتناب مالیاتی بر ارتباط بین فرسته‌های رشد و کیفیت گزارشگری مالی تأثیر دارد.

فرضیه ششم: اجتناب مالیاتی بر ارتباط بین رقابت در بازار محصول و کیفیت گزارشگری مالی تأثیر دارد.

فرضیه هفتم: اجتناب مالیاتی بر ارتباط بین حاشیه سودآوری و کیفیت گزارشگری مالی تأثیر دارد.

فرضیه هشتم: اجتناب مالیاتی بر ارتباط بین مالکیت متمرکز و کیفیت گزارشگری مالی تأثیر دارد.

۵- روش‌شناسی پژوهش

این پژوهش از نظر روش، در زمرة پژوهش‌های توصیفی جای می‌گیرد. از نظر هدف جزء پژوهش‌های کاربردی است. طرح این پژوهش با استفاده از رویکرد پس رویدادی است.

جامعه آماری این پژوهش شامل شرکت‌های پذیرفته شده در بورس اوراق بهادار تهران و برای دوره زمانی ۱۳۸۷ تا ۱۳۹۳ می‌باشد، اما از اطلاعات مالی سال ۱۳۸۶ و ۱۳۹۴ نیز استفاده شده است. باتوجه به طول دوره مورد بررسی، نمونه‌ها باید به نحوی انتخاب شوند که در این مدت، بازار فعال داشته باشند تا امکان آزمون فرضیه‌ها فراهم شود. بدین منظور طرح زیر برای انتخاب نمونه‌ها به کار گرفته شده است:

(۱) وقفه معاملاتی بیش از ۶ ماه نداشته باشد.

(۲) به دلیل همسانی تاریخ گزارشگری و حذف اثرات فصلی، سال مالی شرکت به ۲۹ اسفند ختم شود و شرکت در دوره مورد مطالعه، سال مالی خود را تغییر نداده باشد.

(۳) جزء بانکها و مؤسسات مالی (شرکت‌های سرمایه‌گذاری، واسطه‌گری مالی، شرکت‌های هلدینگ، بانک‌ها و لیزینگ‌ها) نباشد.

(۴) اطلاعات مورد نیاز در دسترس باشد.

(۵) جزء شرکت‌های فعال بورس بوده و یا حداقل در روزهای مورد بررسی فعال باشند.

(۶) شرکت مورد نظر زیانده نباشد.

با توجه به اعمال محدودیت‌های فوق، ۱۲۶ شرکت به عنوان نمونه آماری انتخاب شده است.

جدول (۱)- نحوه نمونه‌گیری

۴۸۰	تعداد کل شرکت‌هایی پذیرفته شده در بورس اوراق بهادار تهران کسر می‌شود:
(۸۹)	تعداد شرکت‌هایی که سال مالی آنها منتهی به پایان اسفند نمی‌باشد و یا طی دوره تحقیق تغییر سال مالی داده باشند.
(۴۱)	تعداد شرکت‌هایی که در گروه شرکت‌های هلدینگ، سرمایه‌گذاری و یا واسطه‌گری‌های مالی بوده‌اند.
(۱۰۳)	تعداد شرکت‌هایی که اطلاعات کامل آن‌ها در دسترس نمی‌باشد.
(۱۰۷)	تعداد شرکت‌هایی که بیش از شش ماه توقف معاملاتی داشته‌اند.
(۱۴)	شرکت‌هایی که زیان ده هستند
۱۲۶	تعداد شرکت‌های نمونه

منبع: یافته‌های پژوهش

۶- مدل‌های مربوط به آزمون فرضیه‌های پژوهش

به منظور آزمون فرضیه اول از مدل رگرسیونی زیر بهره گرفته می‌شود:

$$FRQ_{i,t} = \beta_0 + \beta_1 OG_{it} + \beta_2 size_{it} + \beta_3 lev_{it} + \varepsilon_{it}$$

در صورت معناداری ضریب متغیر فرصت‌های رشد (β_1) در سطح اطمینان ۹۵٪، فرضیه اول پژوهش تأیید خواهد شد.

به منظور آزمون فرضیه دوم از مدل رگرسیونی زیر بهره گرفته می‌شود:

$$FRQ_{i,t} = \beta_0 + \beta_1 COMP_{it} + \beta_2 size_{it} + \beta_3 lev_{it} + \varepsilon_{it}$$

در صورت معناداری ضریب متغیر رقابت در بازار محصول (β_1) در سطح اطمینان ۹۵٪، فرضیه دوم پژوهش تأیید خواهد شد.

به منظور آزمون فرضیه سوم از مدل رگرسیونی زیر بهره گرفته می‌شود:

$$FRQ_{i,t} = \beta_0 + \beta_1 PROF_{it} + \beta_2 size_{it} + \beta_3 lev_{it} + \varepsilon_{it}$$

در صورت معناداری ضریب متغیر حاشیه سودآوری (β_1) در سطح اطمینان ۹۵٪، فرضیه سوم پژوهش

تأیید خواهد شد.

به منظور آزمون فرضیه چهارم از مدل رگرسیونی زیر بهره گرفته می‌شود:

$$FRQ_{it} = \beta_0 + \beta_1 OG_{it} + \beta_2 size_{it} + \beta_3 lev_{it} + \varepsilon_{it}$$

در صورت معناداری ضریب متغیر مالکیت متمرکز (β_1) در سطح اطمینان ۹۵٪، فرضیه چهارم پژوهش تأیید خواهد شد.

به منظور آزمون فرضیه پنجم از مدل رگرسیونی زیر بهره گرفته می‌شود:

$$FRQ_{i,t} = \beta_0 + \beta_1 OG_{it} + \beta_2 TA_{it} + \beta_3 OG_{it} \times TA_{it} \\ + \beta_4 size_{it} + \beta_5 Lev_{it} + \varepsilon_{it}$$

در صورت معناداری ضریب متغیر تعاملی فرسته‌های رشد*اجتناب مالیاتی (β_3) در سطح اطمینان ۹۵٪ فرضیه پنجم پژوهش تأیید خواهد شد.

به منظور آزمون فرضیه ششم از مدل رگرسیونی زیر بهره گرفته می‌شود:

$$FRQ_{i,t} = \beta_0 + \beta_1 COMP_{it} + \beta_2 TA_{it} + \beta_3 COMP_{it} \times TA_{it} \\ + \beta_4 size_{it} + \beta_5 Lev_{it} + \varepsilon_{it}$$

در صورت معناداری ضریب متغیر تعاملی رقابت در بازار محصول * اجتناب مالیاتی (β_3) در سطح اطمینان ۹۵٪، فرضیه ششم پژوهش تأیید خواهد شد.

به منظور آزمون فرضیه هفتم از مدل رگرسیونی زیر بهره گرفته می‌شود:

$$FRQ_{i,t} = \beta_0 + \beta_1 PROF_{it} + \beta_2 TA_{it} + \beta_3 PROF_{it} \times TA_{it} \\ + \beta_4 size_{it} + \beta_5 Lev_{it} + \varepsilon_{it}$$

در صورت معناداری ضریب متغیر تعاملی حاشیه سودآوری*اجتناب مالیاتی (β_3) در سطح اطمینان ۹۵٪، فرضیه هفتم پژوهش تأیید خواهد شد.

به منظور آزمون فرضیه هشتم از مدل رگرسیونی زیر بهره گرفته می‌شود:

$$FRQ_{i,t} = \beta_0 + \beta_1 OWCO_{it} + \beta_2 TA_{it} + \beta_3 OWCO_{it} \times TA_{it} \\ + \beta_4 size_{it} + \beta_5 Lev_{it} + \varepsilon_{it}$$

در صورت معناداری ضریب متغیر تعاملی مالکیت مرکزی اجتناب مالیاتی (β^3) در سطح اطمینان ۹۵٪، فرضیه هشتم پژوهش تأیید خواهد شد.

متغیر مستقل

۱. فرصت‌های رشد (OG): این متغیر به صورت زیر اندازه‌گیری می‌شود:

$$GROWTH_{i,t} = \frac{P_t}{E_t}$$

P: قیمت بازار سهام
E: سود هر سهم

۲. رقابت در بازار محصول (COMP): در این پژوهش به منظور اندازه‌گیری رقابت بازار محصول از شاخص هرفیندال-هیرشمن، که از حال جمع توان دوم بازار کلیه بنگاه‌های فعال در صنعت به دست می‌آید استفاده شده است:

$$HHI = \sum_{i=1}^k S_i^2$$

که در آن HHI شاخص هرفیندال-هیرشمن، k تعداد بنگاه‌های فعال در بازار و Si سهم بازار شرکت i ام است که از رابطه زیر به دست می‌آید:

$$S_i = \frac{x_j}{\sum_{i=1}^n x_j}$$

که در آن x_j نشان دهنده فروش شرکت j ام و n نشان دهنده نوع صنعت است. شاخص هرفیندال-هیرشمن، میزان مرکز صنعت را اندازه‌گیری می‌کند. هرچه این شاخص بزرگتر باشد، میزان مرکز بیشتر بوده و رقابت کمتری در صنعت وجود دارد و بالعکس.

۳. حاشیه سودآوری (PROF): این متغیر به صورت زیر اندازه‌گیری می‌شود:

$$PROF_{it} = (SALE_{i,t} - COGS_{i,t}) / SALE_{i,t}$$

$SALE_{i,t}$: فروش شرکت i در سال t

$COGS_{i,t}$: بهای تمام شده فروش شرکت i در سال t

۴. مرکز مالکیت (OWCO): مرکز مالکیت با استفاده از شاخص هرفیندال-هیرشمن (HHI) به صورت زیر محاسبه می‌شود:

$$HHI = \sum_{i=1}^n (Si)^2$$

Si: درصد مالکیت نهادی

متغیر وابسته

۱. کیفیت گزارشگری مالی (FRQ): دقت اطلاعات مالی به عنوان معیار اندازه‌گیری کیفیت آن درنظر گرفته می‌شود. برای اندازه‌گیری میزان دقت اطلاعات مالی به صورت تجربی، از پس‌ماندهای معادله رگرسیون پیش‌بینی جریان‌های نقدی آینده با استفاده از اجزای تشکیل‌دهنده سود عملیاتی حسابداری یک دوره قبل استفاده می‌گردد (بارث و دیگران، ۲۰۰۳).

$$CFO_{i,t+1} = \alpha_0 + \beta_1 CFO_{i,t} + \beta_2 \Delta AR_{i,t} + \beta_3 \Delta INV_{i,t} + \beta_4 \Delta AP_{i,t} + \beta_5 \Delta DEPR_{i,t} + \beta_6 OTHER_{i,t} + \varepsilon_{i,t+1}$$

CFO: جریان نقدی حاصل از عملیات

$\beta_2 \Delta AR_i$: تغییر در حساب‌های دریافتی

$\beta_3 \Delta INV_i$: تغییر در موجودی‌ها

$\beta_4 \Delta AP_i$: تغییر در حساب‌های پرداختی و بدهی‌های معوق

$\beta_5 \Delta DEPR_i$: هزینه استهلاک دارایی‌های ثابت مشهود و نا مشهود

OTHER: خالص سایر اقلام تعهدی که به صورت زیر محاسبه می‌شود:

$$OTHER = OP - (CFO + \Delta AR + \Delta INV + \Delta AP + DEPR)$$

OP: سود عملیاتی

۲: مقدار خطا که فرض می‌شود دارای میانگین صفر و واریانس ثابت باشد.

معیار تجربی اندازه‌گیری کیفیت گزارشگری مالی، قدر مطلق پس‌ماندها یعنی $|e_{i,t+1}|$ RES می‌باشد. هر قدر پس‌ماندها کوچکتر باشد بیانگر دقت اطلاعات مالی و کیفیت بالای گزارشگری مالی می‌باشد.

متغیر تعدیل کننده

۱. اجتناب مالیاتی (TA)

Tax avoidance it: بیانگر اجتناب مالیاتی شرکت i در سال t می‌باشد. برای محاسبه اجتناب مالیاتی

از روش‌های متعددی که عموماً مبتنی بر نرخ موثر مالیاتی می‌باشد استفاده می‌شود. نکته قابل توجه اینکه برای بررسی اجتناب مالیاتی می‌باشد با توجه به شرایط محیطی، از مدلی استفاده نمود که بتوان فعالیت‌های اجتناب مالیاتی شرکت‌ها را بهتر اندازه‌گیری نمود. در این خصوص بدیهی است که می‌باشد همواره به قوانین و مقررات مالیاتی محیط مورد بررسی توجه لازم نمود. مدل مورد استفاده برای عملیاتی کردن اجتناب مالیاتی به صورت ذیل می‌باشد:

$$\text{نرخ واقعی مالیات} - \text{نرخ قانونی مالیات} = \text{اجتناب مالیاتی}$$

نرخ واقعی مالیات شرکت از تقسیم هزینه مالیات بر درآمد بر درآمد قبل از کسر مالیات به دست می‌آید. این نرخ نشان می‌دهد مالیات بر درآمد شرکت چند درصد درآمد قبل از کسر مالیات می‌باشد.

متغیرهای کنترل

۱. اندازه شرکت (SIZE): زیمرمن (Zimmerman) ^۲ بیان می‌کند که شرکت‌های بزرگ‌تر به علت وجود حساسیتهای سیاسی بیشتر، محافظه‌کاری بیشتری اعمال می‌نمایند (تئوری هزینه سیاسی). اندازه شرکت از طریق لگاریتم طبیعی ارزش دفتری کل دارایی‌های شرکت اندازه‌گیری می‌شود.

۲. اهرم مالی (LEV): اهرم مالی از طریق رابطه زیر به دست می‌آید:

$$\text{LEV} = \frac{\text{کل بدهی‌ها}}{\text{کل دارایی‌ها}}$$

۳. چرخه عملیاتی (OC): هرچه مدت چرخه عملیاتی شرکت بیشتر باشد، سودهای تعهدی دیرتر به شکل نقدي وصول شده، مسیریابی تبدیل بخش تعهدی به بخش نقدي با مشکل روبه‌رو می‌شود و برای شرکت مشکلاتی را از قبیل عدم تقارن اطلاعاتی، مشکلات نمایندگی به وجود آورد و در نتیجه این امر می‌تواند به فزونی هزینه سرمایه شرکت منجر شود. این متغیر از طریق رابطه زیر اندازه‌گیری می‌شود:

$$\text{لگاریتم } \{(\text{مطالبات} / \text{فروش}) + (\text{موجودی کالا} / \text{بهای تمام شده کالا} \times \text{فروش رفتہ}) \times 360\}$$

۷- روش تجزیه و تحلیل داده‌ها و آزمون فرضیه‌ها

یافته‌های توصیفی

جدول زیر، شاخص‌های توصیفی متغیرهای پژوهش را نشان می‌دهد:

- 1. Firm Size
- 2. Zimerman
- 3. Leverage
- 4. Operating Cycle

جدول (۲)- آمار توصیفی متغیرهای پژوهش

شاخص‌ها	OG	COMP	PROF	OWCO	TA	FRQ	SIZE	LEV	OC
میلگین	۱۴/۵۹	۰/۲۲۷	۰/۲۸۴	۰/۳۳۲	۰/۱۲۲	۰/۰۹۰	۱۳/۸۳	۰/۵۷۵	۵/۴۲۷
ماکریم	۷۰۲/۰۶	۰/۴۷۸	۰/۹۹۹	۰/۹۸۹	۰/۲۲۵	۰/۸۵۷	۱۹/۰۰۹	۰/۹۹۶	۷/۲۶۶
مینیمم	۰/۵۴۲	۰/۰۶۰	-۰/۸۵۸	۰/۰۰۲	۰/۰۰۰۲	۰/۰۰۰۶	۹/۹۴۹	۰/۰۱۲	۱/۵۸۰
انحراف معیار	۴۲/۹۱	۰/۱۳۱	۰/۱۷۳	۰/۲۰۷	۰/۰۷۸	۰/۰۹۱	۱/۴۸۳	۰/۱۸۶	۰/۶۲۶

اصلی‌ترین شاخص مرکزی، میانگین است که نشان‌دهنده نقطه تعادل و مرکز ثقل توزیع است و شاخص خوبی برای نشان دادن مرکزیت داده‌هاست. برای مثال مقدار میانگین برای متغیر فرصت‌های رشد برابر با (۱۴/۵۹) می‌باشد که نشان می‌دهد بیشتر داده‌ها حول این نقطه تمرکز یافته‌اند. مقادیر انحراف معیار متغیرها نشان می‌دهد فرصت‌های رشد و اجتناب مالیاتی به ترتیب دارای بیشترین و کمترین میزان پراکندگی می‌باشند.

آزمون نرمال بودن متغیرهای پژوهش

نتایج آزمون کولموگروف-اسمیرنوف (K-S) در جدول (۳) آورده شده است:

جدول (۳)- نتایج آزمون کولموگروف-اسمیرنوف (K-S)

آزمون	OG	COMP	PROF	OWCO	TA	FRQ	SIZE	LEV	OC
Z آماره	۱۲/۰۳۱	۴/۹۰۳	۱/۸۷۳	۳/۱۳۵	۴/۰۳۷	۱/۲۶۵	۲/۷۶۱	۱/۴۰۳	۲/۷۶۶
Sig	۰/۰۰۰	۰/۰۰۰	۰/۰۰۲	۰/۰۰۰	۰/۰۰۰	۰/۸۱	۰/۰۰۰	۰/۳۹	۰/۰۰۰

منبع: یافته‌های تحقیق

در جدول (۳)، سطح معنی‌داری در متغیر وابسته که بیشتر از ۵ درصد است، با اطمینان ۹۵ درصد می‌توان گفت متغیر فوق دارای توزیع نرمال هستند.

آزمون ناهمسانی واریانس فرضیه‌های پژوهش

جهت بررسی ناهمسانی واریانس پسماندها، از آزمون بروش-پاگان-گادفری استفاده شده که نتایج آن در جدول (۴) ارائه شده است:

جدول (۴)- نتایج آزمون ناهمسانی واریانس فرضیه‌های پژوهش

احتمال	آماره آزمون	فرضیه‌های پژوهش
۰/۸۴۷۳	۰/۳۴۵۳	اول

فرضیه‌های پژوهش	آماره آزمون	احتمال
دوم	۰/۵۰۸۴	۰/۷۲۹۵
سوم	۰/۵۱۷۴	۰/۷۲۲۹
چهارم	۰/۵۹۳۰	۰/۶۶۷۸
پنجم	۰/۳۶۹۲	۰/۸۹۸۶
ششم	۰/۹۴۳۴	۰/۴۶۲۹
هفتم	۰/۴۳۱۴	۰/۸۵۸۲
هشتم	۰/۸۸۴۹	۰/۵۰۵۳

منبع: یافته‌های تحقیق

در جدول فوق، احتمال فرضیه‌های پژوهش بیشتر از ۵ درصد است؛ بنابراین فرض ناهمسانی واریانس جملات اخلاقی رد می‌شود.

آزمون F لیمر(چاو) و آزمون هاسمن

نتایج آزمون F لیمر(چاو) و آزمون هاسمن برای فرضیه‌ها در جدول ارائه شده است:

جدول (۵)- نتایج آزمون F لیمر(چاو) و آزمون هاسمن

فرضیه‌های پژوهش	آزمون F لیمر(چاو)		آزمون هاسمن		روش اثرات
	F	p-value	F	p-value	
اول	۳/۷۲۷	۰/۰۰۰	۹/۳۵۱	۰/۰۵۲۹	تصادفی
دوم	۳/۷۱۷	۰/۰۰۰	۱/۳۹۲	۰/۸۴۵۶	تصادفی
سوم	۳/۷۲۹	۰/۰۰۰	۲/۵۳۳	۰/۶۳۸۷	تصادفی
چهارم	۳/۶۸۹	۰/۰۰۰	۲/۴۱۱	۰/۶۶۰۵	تصادفی
پنجم	۳/۶۸۵	۰/۰۰۰	۹/۶۸۸	۰/۱۳۸۴	تصادفی
ششم	۳/۷۳۴	۰/۰۰۰	۳/۲۱۱	۰/۷۸۱۸	تصادفی
هفتم	۳/۶۹۵	۰/۰۰۰	۳/۱۹۰	۰/۷۸۴۵	تصادفی
هشتم	۳/۶۵۴	۰/۰۰۰	۴/۴۷۳	۰/۶۱۲۹	تصادفی

منبع: یافته‌های تحقیق

با توجه به اینکه مقادیر احتمال آزمون F لیمر برای فرضیه‌ها کمتر از ۵ درصد است؛ از روش داده‌های تابلویی استفاده می‌شود. همچنین، مقادیر احتمال آزمون هاسمن برای فرضیه‌ها بیشتر از ۵ درصد است؛

مدل اثرات تصادفی پذیرفته می‌شود.

آزمون فرضیه‌های پژوهش

نتایج آزمون تأثیر عوامل مربوط به هزینه‌های محرومانه بر کیفیت گزارشگری مالی در جدول ۶ ارائه شده است. مقدار آماره دوربین-واتسون، بیانگر فرض عدم همبستگی بین خطاهای پذیرفته می‌شود. ضریب تعیین مدل بیانگر این است که حدوداً ۳۹ درصد از تغییرات متغیر وابسته توسط متغیرهای مستقل و کنترل قابل توجیه است. مقدار احتمال مدل کمتر از ۵ درصد می‌باشد؛ بنابراین مدل کلی رگرسیون معنادار می‌باشد.

با توجه به سطح معناداری و ضریب رگرسیون ارائه شده برای عوامل مربوط به هزینه‌های محرومانه (فرصت‌های رشد، رقابت در بازار محصول، حاشیه سودآوری و مالکیت مرکز)، می‌توان بیان کرد که فرصت‌های رشد بر کیفیت گزارشگری مالی تأثیر ندارد. اندازه شرکت بر کیفیت گزارشگری مالی تأثیر مثبت و معنادار دارد و اهرم مالی و چرخه عملیاتی بر کیفیت گزارشگری مالی تأثیر ندارد.

جدول (۶)- خلاصه نتایج آزمون فرضیه‌های پژوهش

فرضیه چهارم			فرضیه سوم			فرضیه دوم			فرضیه اول			متغیرها
احتمال	آماره t	β	احتمال	آماره t	β	احتمال	آماره t	β	احتمال	آماره t	β	
.۰/۰۱	۲/۵	۳/۱۵۲	.۰/۰۱	۲/۵۰۲	۲/۹۱۵۹	.۰/۰۳۸۲	۲/۰۷	۲/۵	.۰/۰۱	۲/۵۴	۲/۹۴	A
.۰/۱۵	-۱/۴۳۲	-۰/۶۱۴	.۰/۵۹۳۹	.۰/۵۳۳	.۰/۳۰۵	.۰/۲۸۷۸	۱/۰۶۳	۱/۲۴۶	.۰/۶۸	.۰/۴۱	.۰/۲۵	OG&-COMP&-PROF&OW-CO
.۰/۰۴	۱/۹۹۱	.۰/۱۳۱	.۰/۰۴۲۴	۲/۰۳۳	.۰/۱۲۹	.۰/۰۴۶۸	۱/۹۹۱	.۰/۱۲۵	.۰/۰۴	۲/۰۴	.۰/۱۲	SIZE
.۰/۴۱	.۰/۸۱۴	.۰/۴۴۷	.۰/۴۳۱۱	.۰/۷۸۷	.۰/۴۰۹	.۰/۳۶۷۴	.۰/۹۰۱	.۰/۴۶۵	.۰/۴۲	.۰/۷۸	.۰/۴۱	LEV
.۰/۶۳	.۰/۴۷۵	.۰/۰۵۵	.۰/۶۳۸۵	.۰/۴۷۰	.۰/۰۵۴	.۰/۴۹۳۹	.۰/۶۸۴	.۰/۰۸۰	.۰/۶۰	.۰/۵۲	.۰/۰۶	OC
۲/۳۴۰			۲/۲۳۲۳			۲/۳۲۷			۲/۳۲۶			دوربین-واتسون
.۰/۳۸۹			.۰/۳۸۹			.۰/۳۹۰			.۰/۳۹۰			ضریب تعیین
.۰/.....			.۰/.....			.۰/.....			.۰/.....			F احتمال

جدول (۷)- خلاصه نتایج آزمون فرضیه‌های پژوهش

فرضیه هشتم			فرضیه هفتم			فرضیه ششم			فرضیه پنجم			متغیرها
احتمال	آماره t	β	احتمال	آماره t	β	احتمال	آماره t	β	احتمال	آماره t	β	
.۰/۰۰۸	۲/۶۲۵	۳/۲۵۸	.۰/۰۱۷۰	۲/۳۹۱	۲/۸۰۸	.۰/۰۲۷۰	۲/۲۱۵	۲/۷۷۵	.۰/۰۱۳۳	۲/۴۸۱	۲/۸۹۰	a
.۰/۰۶۹	-۱/۸۲۰	-۱/۳۰۲	.۰/۰۵۶۶	.۰/۰۵۸۸	.۰/۰۳۵۵	.۰/۷۲۵۰	-۰/۰۳۵۱	-۰/۰۵۸۹	.۰/۶۱۰۲	.۰/۰۵۰۹	.۰/۰۳۲۴	OG
.۰/۳۹۰	-۰/۰۸۵۸	-۱/۷۶۷	.۰/۰۵۰۶۴	.۰/۰۶۶۴	۱/۰۲۵	.۰/۰۲۷۵	-۱/۰۲۰۷	-۳/۰۸۶	.۰/۰۴۳۱۶	.۰/۰۷۸۶	.۰/۰۹۳۷	TL&- COMP&- PROF&OW- CO
.۰/۲۱۱	۱/۰۲۵۱	۶/۰۴۳۱	.۰/۰۸۶۵۲	-۰/۰۱۶۹	-۰/۰۶۴۶	.۰/۰۱۲۸۳	۱/۰۵۲۲	۱۴/۰۳۰	.۰/۰۴۶۸۲	-۰/۰۷۲۵	-۰/۰۰۱	OG*TA& OG*COMP& OG*PROF& OG*OWCO
.۰/۰۳۳	۲/۰۱۳۳	.۰/۱۴۲	.۰/۰۴۸۱	۱/۰۹۷۹	.۰/۰۱۳۲	.۰/۰۴۷۵	۱/۰۹۸۵	.۰/۰۱۲۵	.۰/۰۰۴۹۶	۱/۰۹۶۶	.۰/۰۱۲۵	SIZE
.۰/۰۵۷۱	.۰/۰۵۶۵	.۰/۰۳۱۲	.۰/۰۶۷۳۲	.۰/۰۴۲۱	.۰/۰۲۵۴	.۰/۰۳۵۱۳	.۰/۰۹۳۲	.۰/۰۵۰۳	.۰/۰۵۵۲۲	.۰/۰۵۹۴	.۰/۰۳۲۰	LEV
.۰/۰۶۲۸	.۰/۰۴۸۳	.۰/۰۰۵۷	.۰/۰۶۰۱۵	.۰/۰۵۲۲	.۰/۰۰۶۲	.۰/۰۳۷۳۲	.۰/۰۸۹۱	.۰/۰۱۰۶	.۰/۰۵۴۱۸	.۰/۰۶۱۰	.۰/۰۰۷۱	OC
۲/۰۳۴۱			۲/۰۳۳۴			۲/۰۳۴۴			۲/۰۳۳۶			دوربین-واتسون
.۰/۰۳۹۱			.۰/۰۳۹۰			.۰/۰۳۹۲			.۰/۰۳۹۰			ضریب تعیین
.۰/۰۰۰۰			.۰/۰۰۰۰			.۰/۰۰۰۰			.۰/۰۰۰۰			F احتمال

۸- بحث و نتیجه‌گیری

باتوجه به نتایج حاصله از تحلیل آزمون رگرسیون، می‌توان این گونه بیان نمود که:

- فرصت‌های رشد بر کیفیت گزارشگری مالی تأثیر ندارد. شرکت‌هایی که از فرسته‌های فراوانی برای رشد برخوردار می‌باشند، بخش اندکی از ارزش خود را از دارایی‌های فعلی کسب می‌کنند و بالا بودن میزان این نسبت بیانگر حجم فرصت‌های رشد آینده شرکت می‌باشد.

طبق مبانی نظری پژوهش، شرکت‌های دارای فرصت‌های رشد از کیفیت گزارشگری مالی بالاتری برخوردارند؛ یعنی هرچه فرصت‌های رشد شرکت بالاتر رود، کیفیت گزارشگری مالی نیز افزایش می‌یابد. اما نتایج پژوهش بیانگر این است که کیفیت گزارشگری مالی تحت تأثیر فرصت‌های رشد قرار نمی‌گیرد.

دلیل این امر می‌تواند ناشی از عدم واکنش بازار و سرمایه‌گذاران نسبت به فرصت‌های رشد باشد و این موضوع نشان‌دهنده عدم شناخت کافی سرمایه‌گذاران و فعالان بازار سرمایه ایران از این مفهوم می‌باشد. نتایج پژوهش با یافته کوهن (۲۰۰۴) همخوانی دارد.

- رقابت در بازار محصول بر کیفیت گزارشگری مالی تأثیر ندارد. ورکچپا (۱۹۸۳) معتقد است که رقابت موجود در بازار محصول مانع از انتشار گزارش‌های مالی باکیفیت می‌شود و شرکت‌ها در بازارهای رقابتی، اطلاعات مالی را با محتوای پایین گزارش می‌کنند. هریس (۱۹۹۸) بیان می‌دارد در صنایعی که میزان رقابت پایین است، احتمال افسای مناسب عملیات در آن اندک است. کوهن (۲۰۰۴) اثبات می‌کند در صنایعی که شدت رقابت پایین است، احتمال گزارش اطلاعات مالی باکیفیت در آنها کم است. نتایج پژوهش بیانگر این است که در یک محیط رقابتی، نه تنها مدیران واحدهای تجاری تمایل ندارند تا با ایجاد یک فضای اطلاعاتی، هزینه‌های سیاسی و مالکانه افسای اطلاعات را کاهش داده و مزیت رقابتی خود را حفظ نمایند، بلکه هیچ واکنشی برای بهبود کیفیت گزارشگری مالی نسبت به رقابت در بازار محصول نشان نمی‌دهند. نتایج پژوهش با یافته‌های کوهن (۲۰۰۴) و غیوری‌مقدم و همکاران (۱۳۹۳) مطابقت ندارد.

- حاشیه سودآوری بر کیفیت گزارشگری مالی تأثیر ندارد. پیوتراسکی (۲۰۰۳) اثبات می‌کند که بالا بودن حاشیه سودآوری موجب کاهش کیفیت گزارشگری مالی می‌شود. کوهن (۲۰۰۴) بین حاشیه سودآوری و کیفیت گزارشگری مالی رابطه منفی یافت و معتقد است که شرکت‌های با قدرت سودآوری بالا با هزینه‌های محramانه زیادی رویه رو هستند. همانند سرمایه‌گذاران، تولیدکنندگان نیز به دنبال تولید محصولاتی هستند که بیشترین میزان بازدهی را کسب نمایند و هرگاه نرخ بازدهی برای صنعت معینی فراتر از نرخ‌های بازدهی مورد توقع مناسب با ریسک آن باشد، سایر شرکت‌ها نیز وارد آن صنعت شده و عرضه را افزایش خواهند داد و حتی موجب کاهش قیمت‌ها خواهند شد و این شرایط تا زمانی ادامه دارد که نرخ بازده به دست آمده مطابق با ریسک موجود در آن صنعت گردد. ایجاد تمایز بین حالتی که برخی شرکت‌ها در صنعت، سودهای بالا کسب می‌کنند و حالتی که تمام یا تعداد زیادی از شرکت‌ها از سودهای بالا منتفع می‌شوند، سودمند است. هنگامی که تنها برخی از شرکت‌ها در صنعت، سودهای بالا کسب می‌کنند ممکن است نشانگر آن باشد که بازار به نحو کارا عمل نمی‌کند. با توجه به مطالب فوق، کیفیت گزارشگری مالی تحت تأثیر حاشیه سودآوری قرار می‌گیرد. اما در بازار سرمایه ایران کیفیت گزارشگری مالی نمی‌تواند تحت تأثیر حاشیه سودآوری قرار گیرد که دلیل آن می‌تواند ناشی از

عدم واکنش بازار و عکس العمل سهامداران شرکت‌ها نسبت به حاشیه سودآوری باشد. مالکیت متمرکز بر کیفیت گزارشگری مالی تأثیر ندارد. کوهن (۲۰۰۴) نشان داد شرکت‌هایی که مالکیت آنها به صورت پراکنده است، به احتمال زیاد اطلاعات مالی با کیفیت فراهم می‌کنند. بر اساس فرضیه نظارت فعال، تمرکز مالکیت موجب می‌شود که بلوک‌داران، رفتار مدیران را در ارتباط با گزارش اطلاعات مالی بی‌کیفیت اصلاح کنند و در نهایت کیفیت گزارشگری مالی را ارتقاء دهند. اما مالکیت متمرکز را نمی‌توان به عنوان عامل تأثیرگذار بر کیفیت گزارشگری مالی در بازار سرمایه ایران دانست. این موضوع به بی‌انگیزه بودن سهامداران عمدۀ شرکت‌های ایرانی بر می‌گردد که هیچ‌گونه واکنشی به کیفیت گزارشگری مالی نشان نمی‌دهند. نتایج پژوهش با یافته رضایی و ویسی‌حصار (۱۳۹۳) مطابقت ندارد.

اجتناب مالیاتی بر ارتباط بین عوامل مربوط به هزینه‌های محرومانه (فرصت‌های رشد، رقابت در بازار محصول، حاشیه سودآوری و مالکیت متمرکز) و کیفیت گزارشگری مالی تأثیر ندارد. توضیح اینکه اجتناب مالیاتی بر رابطه بین عوامل مربوط به هزینه‌های محرومانه و کیفیت گزارشگری مالی در بازار سرمایه ایران مشترمتر نمی‌باشد و به عبارتی نقش اجتناب مالیاتی در این ارتباط مؤثر تلقی نمی‌گردد؛ دلیل این امر، کم‌توجهی سهامداران، سرمایه‌گذاران و سایر ذینفعان شرکت‌ها به مسئله عوامل مربوط به هزینه‌های محرومانه و اجتناب مالیاتی می‌تواند باشد که البته در این امر نمی‌توان شرایط حاکم بر بازار سرمایه ایران را نادیده گرفت. به عبارتی، چنین به نظر می‌رسد که در محیط شرکت‌های ایرانی از جانب سهامداران، سرمایه‌گذاران، مدیران و سایر ذینفعان شرکت‌ها روی عوامل مربوط به هزینه‌های محرومانه و اجتناب مالیاتی مانوری صورت نمی‌گیرد تا کیفیت گزارشگری مالی را تحت تأثیر قرار دهد.

فهرست منابع

۱. بولو، قاسم (۱۳۸۶). هزینه حقوق صاحبان سهام و ویژگی‌های سود، رساله دکتری، دانشگاه علامه طباطبائی، تهران.
۲. کرمی، م. (۱۳۸۹). بررسی ارتباط بین کیفیت گزارشگری مالی و کارایی سرمایه‌گذاری، پایان‌نامه کارشناسی ارشد، دانشگاه آزاد اسلامی، واحد اراک.
۳. کمیته تدوین استانداردهای حسابداری (۱۳۸۶). استانداردهای حسابداری، چاپ نهم، انتشارات سازمان حسابرسی، تهران.
۴. مشایخ، شهناز و مریم اسماعیلی (۱۳۸۵). بررسی رابطه بین کیفیت سود و برخی از جنبه‌های اصول راهبری شرکت، بررسی‌های حسابداری و حسابرسی، شماره ۴۵.
۵. نوروش، ایرج، ناظمی، امین و مهدی حیدری (۱۳۸۵). کیفیت اقلام تعهدی و سود با تأکید بر نقش خطای برآورد اقلام تعهدی، بررسی‌های حسابداری و حسابرسی، شماره ۴۳.
۶. نوروش، ایرج (۱۳۴۷). بررسی رابطه بین کیفیت گزارشگری مالی و تعداد حسابرسان آموزش دیده در واحدهای تجاری، بررسی‌های حسابداری و حسابرسی، سال ششم، شماره ۲۴ و ۲۵.
۷. نیکومرام، هاشم و یونس بادآور نهنده (۱۳۸۸). تبیین و ارائه الگویی برای تعیین و ارزیابی عوامل مؤثر بر انتخاب کیفیت گزارشگری مالی در ایران، رساله دکتری، رشته حسابداری، دانشگاه آزاد اسلامی، واحد علوم و تحقیقات تهران.
8. Abdolmohammadi, M., R. Simnett, J. C. Thibodeau, & A. M. Wright (2006). Sell-side Analyst's Reports and the Current External Reporting Model. Accounting Horizons 20, 4: 375-389. 9.
9. Allingham, Michael G. & A. Sandmo (1972). "Income Tax Evasion: A Theoretical Analysis". Journal of Public Economics, 1: 323-338.
10. Biddle, G., G. Hillary & R. Verdi (2009). How does Financial Reporting Quality Improve Investment Efficiency?, Journal of Accounting and Economics, 48:112-138.
11. Barth, M. E., D., Cram, & K., Nelson (2001). Accruals and the Prediction of Future Cash Flows, the Accounting Review 76, 25-58.

12. Cohen, A. (2004). Quality of Financial Reporting Choice Determinants and Consequences. A Dissertaion of Northwestern University.
13. Darrough, M. (1993). Disclosure Policy and Competition: Cournot vs. Bertrand, Accounting Review 68(3): 534-56.
14. Dechow, M., G. Sloan, & P. Sweeney (1995). Detecting Earnings Management. The Accounting Review 7, 193-225.
15. Dechow, P. & Dichev, I. (2002). The Quality of Accruals and Earnings: the Role of Accrual Estimation Errors. The Accounting Review 77. (Supplement): 35-59.
16. Desai, M., Dharmapala, D., & Fung, W. (2007). Taxation and the Evolution of Aggregate Corporate Ownership Concentration in: Auerbach, A., Hines, J., Slemrod, J. (Eds.), *Taxing Corporate Income in the 21st Century*. Cambridge University Press, New York, 345–383.
17. Fan, Q., & X. Zhang (2005). Conservatism and Accounting Information Quality, Working Paper, University of California.
18. FASB (1978). Objectives of Financial Reporting by Business Enterprise, Statement of Financial Accounting Concepts no. 1.
19. Graham, R. J., C. R., Harvey, & S., Rajgopal (2005). The Economic Implications of Corporate Financial Reporting, Journal of Accounting & Economics 40, 3–73.
20. Hagerman, L., & E. Zmijewski (1979). Some Economic Determinants of Accounting Policy Choice, Journal of Accounting and Economics 1: 141-161.
21. IASCF (2007). A Guide through International Financial Reporting Standards, IASCF Publication Department, United Kingdom, London.
22. Miller, B. W. & R. Bahnsen (1999). Quality Financial Reporting: Way You Need in and How to Implement it. Working Paper. University of Colorado_Springs.
23. Mills, L. F. & Kaye J. Newberry (2001). The Influence of Tax and Non-tax Costs on Book Tax Reporting Differences: Public and Private Firms. The Journal of the American Taxation Association, 23(1): 1-19.

24. Rajgopal, S., & M. Venkatachalm (2005). Financial Reporting Quality and Idiosyncratic Return Volatility over the Last Four Decades, Empirical Research, University of Washington.
25. Sun, J. (2005). Financial Reporting Quality, Capital Allocation Efficiency, Financing Structure: An International Study, A Dissertation, Shanghai University.
26. Vafeas, N. (2000). Board Structure and the Informativeness of Earnings, Journal of Accounting and Public Policy 19, 139 – 160.
27. Verdi, S. (2006). Financial Reporting Quality and Investment Efficiency, University of Pennsylvania.